

اشاره:

ریاست‌جمهوری «جو بایدن» از روز ۲۰(ژانویهٔ ۲۰۲۱) به طور رسمی آغاز شده و او به عنوان **چهل و ششمین رئیس‌جمهور**، فعالیت خود را آغاز کرده است. طی این مدت، در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا در جهان، همان طور که بسیاری از کارشناسان به درستی پیش‌بینی کرده بودند، تغییرات مهمی در دولت بایدن رخ نداده است. کسب آگاهی درباره دیپلماسی مستأجران جدید کاخ سفید نسبت به دو کشور روسیه و چین، اهمیت فراوانی دارد و علت این اهمیت نیز به جایگاه خاصی دو کشور فوق در معادلات جهانی بر می گردد. به همین خاطر، از هم‌اکنون درباره نحوه مواجهه دولت جدید آمریکا با دو بحران فوق، گمانه‌زنی‌های زیادی مطرح می‌شود. در مقاله حاضر، این مفروض پذیرفته شده‌ است که نگاه آمریکا به دو کشور روسیه و چین، یک نگاه راهبردی است. به عبارت دیگر، رویکرد واشتنگتن نسبت به مسکو و پکن، با تغییر روسای جمهور، دچار تغییر و تحول بنیانی نخواهد شد. دلیل راهبردی به این معناست که آمریکا در سیاست خارجی خود، یک هدف معجوری دارد و آن، تک قطبی کردن جهان است. آمریکایی خواهد دنیا را تک قطبی کند و خود در راس آن قرار بگیرد. روسیه و چین نیز در این مسیر، مانع محسوب می‌شوند و لذا، از نگاه آمریکا باید این موانع برداشته شوند.

با این تفصیلات، نمی‌توان میان بایدن و روسای جمهور قبلی آمریکا، به ویژه «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق، هیچ تفاوتی قائل شد. اما، همان سران کاخ سفید در تاکتیک‌های خود، فرق‌های زیاد با هم دارند. این تفاوت‌هایی توانند دارای منشاءهای گوناگونی باشند، که از جمله آنها می‌توان به خلیقات روسای جمهور، مشاوران، اتاق فکری، ایدئولوژی و شرایط زمان اشاره کرد. به همین خاطر، جادارد که رفتار دولت‌ها و روسای جمهور مختلف آمریکا را(بر ذره بین قرار داد و تفاوت‌ها را دریافت. در مقاله حاضر، ضمن نگاه فوری به سیاست‌های رئیس‌جمهور سابق(ترامپ) نسبت به روسیه و چین، رویکرد سه ماهه اخیر بایدن به طور مفصل تر، مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن، گمانه‌هایی نیز در خصوص آینده مناسبات آمریکا و روسیه و چین و اینکه رئیس‌جمهور کنونی احتمالا طی ماه‌ها و سال‌های آتی چه کار خواهد کرد، مطرح شده است.

**روسیه**

ماهیت و جوهره بحران میان روسیه و آمریکا، نظامی و امنیتی است. روسیه برای آمریکا، یک تهدید سیاسی، ایدئولوژیک و صنعتی نیست و اگر محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب روی مسائل سیاسی داخلی روسیه متمرکز می‌شوند، به خاطر اهداف دیگری است. به عنوان مثال، بزرگ‌نمایی اختلافات سیاسی داخلی و برجسته نشان دادن چهره مخالفان دولت «ولادیمیر پوتین»، از جمله «الکس ناوا اولنی»، پیشتر به ساد هدف ایجاد شکاف سیاسی در درون روسیه و تضعیف این

کشور صورت می‌گیرد. هدف واقعی و راهبردی آمریکا در قبال روسیه، همان چیزی است که کاخ سفید در بارهٔ اتحاد جماهیر سابق در نظر داشت؛ یعنی، تضعیف و حتی تجزیه روسیه، تا آنجا که این کشور مجبور شود دیکته‌های آمریکا را درخصوص خلع سلاح هسته‌ای و یک نظم آمریکایی بر جهان را بپذیرد. بحران‌هایی مثل منازعه مرزی اوکراین و روسیه، مسئله گرجستان و موارد مشابه، نسبت به این راهبرد، بحران‌های فرعی محسوب می‌شوند.

در این میان، تقابل آمریکا با روسیه، ماهیت سیالی و چرخشی دارد؛ زمانی واشنگتن و مسکو بر سر مداخله روسیه در انتخابات آمریکا، مقابل هم قرار می‌گیرند. زمان دیگر، آنها در خاک سوریه با هم اصطکاک پیدا می‌کنند و به علاوه، کشورهایی مثل لهستان، بلاروس، اوکراین، قرقیزستان و گرجستان، که در مجاورت مرزهای روسیه قرار دارند، هر کدام می‌توانند در مقطعی توسط آمریکا به عنوان اهرم فشار علیه روسیه مورد استفاده قرار گیرند. علاوه‌بر آنها، آمریکا می‌تواند با پیشروی ناتو به سمت شرق، روسیه را آزار و تحت فشار قرار بدهد.

براساس گزارشی که اوایل بهمن ۱۳۹۷ توسط «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» تهیه شده بود، «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، به دلیل اختلاف با اعضای دولت خود، سیاستگذاری در قبال روسیه را پیچیده کرده بود. همین مسئله، بر نحوه مواجهه دولت وی با روسیه تأثیر منفی گذاشته بود.

این اندیشکده تدررو، که پیشگفتار آن را ژنرال «ج. آر. مک‌مستر» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، نوشته بود، اعلام کرد که رویکرد

از جمله ابزارهایی که آمریکا طی سال‌های گذشته علیه چین به کار برده است، می‌توان به **تحریم، جنگ تجاری، حمایت واشتنگتن از جدا شدن هنگ‌کنگ و تایوان از خاک چین، حمایت(هدفمند) از مسلمان اویغور در استان سین‌کیانگ و اتهام به چین در مورد ایجاد ویروس کرونا**،اشاره کرد.

دولت ترامپ در قبال مسکو، تحت تأثیر «هوئی و هوس‌های یکجانبه رئیس‌جمهور دمدمی مزاج» قرار داشته است. تصمیم یکباره ترامپ

«اندیشکده شورای آتلانتیک» با اشاره به قدرت روبه افزایش مسکو و «ولادیمیر پوتین»، بر تاپ سفینه چینی– روسی به کره ماه را به‌عنوان نشانه‌ای از همکاری‌های استراتژیک نگران‌کننده «جو بایدن» در سیاست‌های آمریکا در قبال روسیه را ضروری دانست.

این اندیشکده روسیه، توافقنامه‌ای را با ژانوس فضایی ملی چین برای ایجاد یک ایستگاه علمی بین‌المللی در کره ماه امضا کرده بود. دسترس همه ملت‌های علاقه‌مند و شرکای بین‌المللی به این ایستگاه آزاد است. این توافق‌نامه، مهم‌ترین نشانه‌ای است که بیان می‌کند روسیه آینده فضایی خود را در ارتباط با چین می‌بیند و نه آمریکا و بیشتر بر هم‌سویی استراتژیک خود با پکن تأکید می‌کند. در ادامه، بخش‌هایی از این گزارش را می‌خوانیم.

**روسیه چین را برگزید**
این واقعه دنیابدل یک ربع قرن همکاری فضایی آمریکا و روسیه رخ می‌دهد. کسانی که همکاری را ایجاد کردند که آرزوی آشتی بین مسکو و واشتگتن پس از جنگ سرد را داشتند، مهم‌ترین بخش این همکاری ساخت و بهره‌برداری از ایستگاه فضایی بین‌المللی بود. این توافق هم چنین به نوعی دهن‌کجی آشکار به دعوت ناسا از روسیه برای پیوستن به پروژه «آرتمیس»، خواهر دولقی «پولو» تلقی شده

## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

بنابراین، گمانهٔ تقویت و تداوم خصومت‌های واشتنگتن علیه مسکو طی ماه‌ها و سال‌های آتی، قابل پیش‌بینی است و دراین میان، راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک هم نمی‌تواند مرهم درد باشند و این خصومت‌ها را پایان دهند. دولت بایدن طی ماه‌های آتی، دخالت‌هایش در امور داخلی روسیه را افزایش خواهد داد، به بحران جاری میان روسیه و اوکراین دامن خواهد زد، بحران‌های جدیدی را در کشورهای مجاور روسیه ایجاد می‌کند، شکاف میان مسکو و بروکسل را بیشتر کرده و تحریم‌های جدیدی را نیز علیه روسیه و شهروندانش اعمال خواهد کرد. البته، بایدن از تقابل و درگیری‌های مستقیم نظامی با روسیه نیز اجتناب می‌کند و به شدت از چنین اتفاقی می‌ترسد.

در انتخابات، صحت داشته باشد، او تاوان آن را خواهد پرداخت. این توهین و موضعگیری چکشی بایدن، باعث شد که مسکو سفیر روسیه را از آمریکا فرا بخواند.

هر چند این نوع موضع‌گیری‌ها و اهانت‌هایش، ریشه در خلیقات خاصی وی ندارد، ولی هیستریک و ناشی از عصبانیت است. اینکه چرا بایدن از پوتین عصبانی است، نه به مداخله روسیه در انتخابات آمریکا ربط می‌یابد و نه رئیس‌جمهور این کشور با همتای روس خود، خصومت شخصی دارد. علت عصبانیت به تحولات بین‌المللی و گزینه‌های اندک دولت بایدن در قبال رقبای جهانی آمریکا، از جمله



# دست‌های خالی جو بایدن در مقابل روسیه و چین

سبحان محقق

برای خروج حدود ۲۰۰۰ نظامی آمریکایی از سوریه، که دی ۱۳۹۷ اعلام شده بود، یک نمونه بارز از رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی رئیس‌جمهور وقت دانسته شد.

بنیاد مذکور بااشاره به اینکه روسیه بزرگ‌ترین تهدید علیه راهبرد جهانی آمریکا است، نوشت که علیرغم چنین اهمیتی، رویکرد دولت ترامپ نسبت به آن، تحت تأثیر هوا و هوس و خلیقات وی قرار داشته است. او از یک طرف، اوکراین را مسلح کرده و علیه روسیه نیز تحریم‌های جدیدی اعمال می‌کرد. اما از

طرف دیگر، از پوتین در برابر اتهامات مربوط به نقض حقوق بشر و مداخله در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، دفاع می‌کرد. اتخاذاین سیاست‌ها، معنی‌اش این بود که دولت ترامپ به طور هم‌زمان، دو سیاست جداگانه را در قبال روسیه دنبال می‌کرده است.

«دوید آدسنیک»، مدیر تحقیقات در ارتباط با دولت جدید آمریکا، چیزی را که تا کنون شاهدش بوده‌ایم، برخورد قاطع‌تر مقامات این کشور و شخص بایدن با روسیه است. کاخ سفید در ظاهر، متاثر از گفتمان مداخله روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا، سطح خصومت‌ها علیه روسیه را به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داد؛ در ماجرای ناولونی،



آمریکا علنا در امور داخلی روسیه مداخله و حتی مردم را به شنویه غیر مستقیم، جهت برگزاری تظاهرات، بسیج کرد. پوتین، اما، مهم‌ترین موردی که طی همین دوران اندک مستأجر جدید کاخ سفید اتفاق افتاد، این بود که بایدن اواخر اسفند گذشته و در مصاحبه اختصاصی با شبکه خبری «ای بی‌سی نیوز»، همتای روس خود را قائل توصیف کرد؛ و درباره دخالت مسکو در انتخابات آمریکا هم سخن گفت. او مدعی شد که طی تماسی تلفنی با رئیس‌جمهور روسیه در ماه ژانویه(دی)، به او هشدار داده است که اگر موضوع دخالت

## توصیه های یک اندیشکده آمریکایی در مورد چگونگی مهار روسیه

است. که هدف آن قرار دادن اولین زن و مرد بعدی روی ماه تا سال ۲۰۲۴ است. سال گذشته «دیمتری روگوزین»، مدیرکل ژانوس فضایی روسیه با تمسخر گفت: «آنها برنامه خود را نه به‌عنوان برنامه‌ای بین‌المللی، بلکه چیزی شبیه ناتو می‌دانند». او قبلاً نیز که به‌عنوان سفیر روسیه در ناتو خدمت می‌کرد، گفته بود: «ما علاقه‌ای به شرکت در چنین پروژه‌ای نداریم».

**توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های روسیه**
به جای اینکه به اهمیت این موارد برای آینده انسان در فضا بپردازیم، باید به این توجه داشته باشیم که بررسی اثرات این کار در رویکرد نوظهور «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا، در قبال روسیه و «ولادیمیر پوتین» مهم‌تر است. رئیس‌جمهور آمریکا هیچ تومعی در مورد پوتین ندارد و نشان داده که اگر زمانی به این نتیجه برسد که به نفع واشتگتن است، وارد عمل می‌شود. اولین اقدام وی در سیاست خارجی، توافق با پوتین برای تمدید «پیمان جدید کاهش تسلیحات استراتژیک» بود، که بیانگر دور شدن از رویکرد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری سابق، در زمینه کنترل تسلیحات است. با این اوصاف، بایدن به بهانهٔ زندانی شدن «الکسی ناوالنی»، رهبر مخالفان روسیه، تحریم‌های جدیدی را با همکاری اتحادیه اروپا علیه روسیه اعمال کرد. باید دید که دولت بایدن در مورد تحریم‌های موجود یا تحریم‌های جدید آمریکا علیه خط لوله «نورد استریم ۲» – به‌عنوان فعال‌ترین موضوعی که در حال حاضر موجب شکاف در سیاست‌های اتحادیه اروپا و حتی آلمان شده است– چگونه عمل خواهد کرد.

در این میان، هر سیاستی که بایدن در پیش بگیرد، عاقلانه‌تر کار این است که دچار اشتباهات دولت‌های قبلی درباره سقوط روسیه (جو بایدن) رئیس‌جمهور آمریکا، در قبال روسیه و «پارک اوپاما»، می‌نویسد: «پوتین همان قدرتی را ندارد که اسلاف وی در شوروی دهه ۱۹۷۰ داشتند و یا «شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری چین، امروز دارد.» وی می‌افزاید: «اما روسیه نیز همان کشور ضعیف و فرسوده دهه ۱۹۹۰ نیست. به‌رغم روند منفی جمعیت شناختی و برگشت مجدد اصلاحات بازار و برخلاف تصور

بنابراین، گمانهٔ تقویت و تداوم خصومت‌های واشتنگتن علیه مسکو طی ماه‌ها و سال‌های آتی، قابل پیش‌بینی است و دراین میان، راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک هم نمی‌تواند مرهم درد باشند و این خصومت‌ها را پایان دهند. دولت بایدن طی ماه‌های آتی، دخالت‌هایش در امور داخلی روسیه را افزایش خواهد داد، به بحران جاری میان روسیه و اوکراین دامن خواهد زد، بحران‌های جدیدی را در کشورهای مجاور روسیه ایجاد می‌کند، شکاف میان مسکو و بروکسل را بیشتر کرده و تحریم‌های جدیدی را نیز علیه روسیه و شهروندانش اعمال خواهد کرد. البته، بایدن از تقابل و درگیری‌های مستقیم نظامی با روسیه نیز اجتناب می‌کند و به شدت از چنین اتفاقی می‌ترسد.

**چین**

ترامپ هر چند به تعبیر بسیاری، از سیاست خارجی و دیپلماسی، درک درستی نداشته، ولی با توجه به تجارب شخصی‌اش، به نظر می‌رسد که درخصوص ترازهای تجاری میان کشورها و پیامدهای آنها، درک درست‌تری داشته است. به همین خاطر، با توسعه تجاری و فروش کالاهای چین در آمریکا در افتاده و تعرفه‌های سنگینی را علیه کالاهای وارداتی چینی به آمریکا وضع کرده است. حتی می‌توان گفت که رئیس‌جمهور سابق آمریکا طی چهار

از همپیمانان آمریکا خواست برای مقابله با مدل اقتصادی چین، ائتلاف تشکیل دهند. این موضعگیری واکنش «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور چین، (۶ بهمن) را به دنبال داشت و او درخصوص تشکیل یک ائتلاف میان آمریکا و اروپا علیه پکن، هشدار داد و گفت که این اقدام، خطر شکل‌گیری جنگ سرد را به دنبال خواهد داشت.

در ارتباط با سفر ۱۲ مارس(۲۲ اسفند) بایدن به کشورهای هند، ژاپن و استرالیا نیز کاخ سفید اعلام کرده بود، هدف اصلی این سفر، مهار کردن قدرت نظامی و اقتصادی چین است.

کشورهای هند، ژاپن و استرالیا از سال ۲۰۰۴ به همراه آمریکا، در جهت تقویت همکاری در اقیانوس هند گام بر می‌دارند. هدف این کشورها، تشکیل جبهه‌ای متحد

بایدن در همان اوایل ورودش به کاخ سفید(دی گذشته)، از همپیمانان آمریکا خواست برای مقابله با مدل اقتصادی چین، ائتلاف تشکیل دهند. این موضعگیری واکنش «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور چین، (۶ بهمن) را به دنبال داشت و او درخصوص تشکیل یک ائتلاف میان آمریکا و اروپا علیه پکن، هشدار داد و گفت که این اقدام، خطر شکل‌گیری جنگ سرد را به دنبال خواهد داشت.



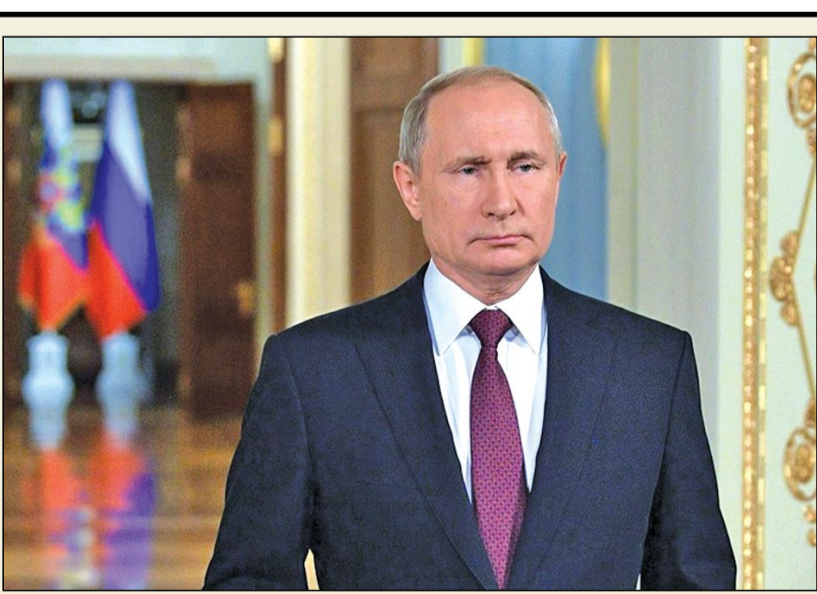
جداً شدن هنگ‌کنگ و تایوان از خاک چین، حمایت(هدفمند) از مسلمان اویغور در استان سین‌کیانگ و اتهام به چین در مورد ایجاد ویروس کرونا،اشاره کرد.

در حقیقت، می‌توان گفت که سیاست آمریکا بایند در قبال چین، همان سیاست دوران ترامپ خواهد بود و در این میان، ممکن است که دولت جدید ابتکارهای تازه در ارتباط بسا تداوم سیاست‌های قبلی در دولت جدید، اظهارات «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه دولت بایدن، نیز گواه این مدعااست. وی زمانی که نامزد پست وزارت خارجه آمریکا بود، اظهار داشت، ترامپ حق داشت رویکرد سختگیرانه‌ای مقابل چین اتخاذ کند. بلینکن افزود: تردیدی نیست که چین بیش از هر ملت دیگری، برای آمریکا چالش برانگیز است و برای مقابله با پکن، اتفاق نظر فراحیزی وجود دارد. البته، اینکه مقامات واشتنگتن چین را یک رقیب راهبردی برای خود می‌دانند، یک واقعیت است، اما این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که آنها به میل خود، نمی‌توانند جهان را تغییر بدهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دنیا آینده متفاوتی را تجربه خواهد کرد. علتش این است که دستان بایدن در برابر کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران، واقعا خالی است.

هدایت این گروه ویژه را «الی راتنر»، از مشاوران پیشین بایدن برعهده‌دارد که برای تصدی میز ویژه چین، به پنتاگون پیوسته است. این کارگروه چهار ماه فرصت دارد تا نتیجه ارزیابی‌های خود را در قالب پیشنهادها

اینکه مقامات واشتنگتن چین را یک رقیب راهبردی برای خود می‌دانند، یک واقعیت است، اما این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که آنها به میل خود، نمی‌توانند جهان را تغییر بدهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دنیا آینده متفاوتی را تجربه خواهد کرد. علتش این است که دستان بایدن در برابر کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران، واقعا خالی است.

و مشاوره‌هایی برای ترسیم راهبرد تازه جهت مهار چین در اختیار دولت آمریکا بگذارد. نحوه آرایش و استقرار نیروهای نظامی



تواناشر شده است. **اصلاح رویکرد کاخ سفید**
سوس دستگیری او هنگام بازگشت به روسیه و همچنین اعتراضات مردم و برخورد دولت پوتین با معترضان را نشانه گرایش وی به استفاده از خشونت و سرکوب تلقی می‌کنند. آنها اعتراض‌ها و تظاهرات مربوط به قضیه ناولنی را از نقاط ضعف پوتین به‌حساب می‌آورند. با این حال، دیگران اقدامات وی را، از زمان تصرف کریمه در سال ۲۰۱۴ تا آخرین حملات سایبری، به‌عنوان شایدهی در افزایش توانایی‌های وی در نظر می‌گیرند و نسبت به اقدامات گستاخانه پیش‌رو، هشدار می‌دهند. هر دو دیدگاه درست هستند؛ یعنی، پوتین هم‌زمان، آسیب‌پذیرتر و

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۰

۲ رمضان ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۷۲۳

آمریکا به منظور بازدارندگی چین در اقیانوس آرام، از جمله محورهای سیاست راهبردی تازه کاخ سفید در قبال بزرگ‌ترین رقیب استراتژیک این کشور عنوان شده است. بایدن در ادامه سخنان خود، گفت که کشورش بدون شک، در صدد مقابله با چالش چین است. او مدعی شد که مردم آمریکا در آینده، پیروز این رقابت خواهند بود!

رئیس‌جمهوری آمریکا در عین حال، تأکید کرد که برای رسیدن به این هدف لازم است که علاوه‌بر تلاش‌های دولت، هر دو حزب اصلی کشورش در کنگره با یکدیگر همکاری کنند و در این خصوص، همچنین به یاری متحدان و شرکای قوی نیاز است. از جمله ابزارهایی که آمریکا طی سال‌های گذشته علیه چین به کار برده است، می‌توان به تحریم، جنگ تجاری، حمایت واشتگتن از

بایدن در همان اوایل ورودش به کاخ سفید(دی گذشته)، از همپیمانان آمریکا خواست برای مقابله با مدل اقتصادی چین، ائتلاف تشکیل دهند. این موضعگیری واکنش «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور چین، (۶ بهمن) را به دنبال داشت و او درخصوص تشکیل یک ائتلاف میان آمریکا و اروپا علیه پکن، هشدار داد و گفت که این اقدام، خطر شکل‌گیری جنگ سرد را به دنبال خواهد داشت.



جداً شدن هنگ‌کنگ و تایوان از خاک چین، حمایت(هدفمند) از مسلمان اویغور در استان سین‌کیانگ و اتهام به چین در مورد ایجاد ویروس کرونا،اشاره کرد.

در حقیقت، می‌توان گفت که سیاست آمریکا بایند در قبال چین، همان سیاست دوران ترامپ خواهد بود و در این میان، ممکن است که دولت جدید ابتکارهای تازه در ارتباط بسا تداوم سیاست‌های قبلی در دولت جدید، اظهارات «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه دولت بایدن، نیز گواه این مدعااست. وی زمانی که نامزد پست وزارت خارجه آمریکا بود، اظهار داشت، ترامپ حق داشت رویکرد سختگیرانه‌ای مقابل چین اتخاذ کند. بلینکن افزود: تردیدی نیست که چین بیش از هر ملت دیگری، برای آمریکا چالش برانگیز است و برای مقابله با پکن، اتفاق نظر فراحیزی وجود دارد. البته، اینکه مقامات واشتنگتن چین را یک رقیب راهبردی برای خود می‌دانند، یک واقعیت است، اما این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که آنها به میل خود، نمی‌توانند جهان را تغییر بدهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دنیا آینده متفاوتی را تجربه خواهد کرد. علتش این است که دستان بایدن در برابر کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران، واقعا خالی است.

هدایت این گروه ویژه را «الی راتنر»، از مشاوران پیشین بایدن برعهده‌دارد که برای تصدی میز ویژه چین، به پنتاگون پیوسته است. این کارگروه چهار ماه فرصت دارد تا نتیجه ارزیابی‌های خود را در قالب پیشنهادها

اینکه مقامات واشتنگتن چین را یک رقیب راهبردی برای خود می‌دانند، یک واقعیت است، اما این واقعیت را نیز باید در نظر گرفت که آنها به میل خود، نمی‌توانند جهان را تغییر بدهند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دنیا آینده متفاوتی را تجربه خواهد کرد. علتش این است که دستان بایدن در برابر کشورهایی مثل روسیه، چین و ایران، واقعا خالی است.

– دیپلماسی ایرانی
– شورای راهبردی روابط خارجی
– دویچه وله
– دنیای اقتصاد
– خبرگزاری جمهوری اسلامی.

نتوانسته است نتایج دلخواه را به دست آورد. آنچه مورد نیاز فوری است، بازنگری دولت بایدن در استراتژی مربوط به روسیه، همراه با درک این قضیه است که سوءبرداشت در مورد سقوط روسیه، احساس نیاز به رویکرد استراتژیک را تضعیف می‌کند. آمریکا باید با صبر و شکیبایی و با همکاری شرکای خود، کاربرد روش‌های موثرتر برای مقابله با اطلاعات نادرستی و واکنش قلابانه‌تر به رشد چینی– روسیه همکاری استراتژیک، نشان دادن واکنش شدید و بیش از حد لازم، هرگز سیاست خوبی نیست، اما در حال حاضر دست‌کم گرفتن روسیه خطر بسیار بزرگ‌تری است.

با اطلاعات نادرستی و واکنش قلابانه‌تر به رشد چینی– روسیه همکاری استراتژیک، نشان دادن واکنش شدید و بیش از حد لازم، هرگز سیاست خوبی نیست، اما در حال حاضر دست‌کم گرفتن روسیه خطر بسیار بزرگ‌تری است. هدف بلندمدت روسیه باید همان چیزی باشد که ۲۵ سال پیش افراد ناسا امیدوار بودند که اجرا بشود؛ یعنی، آشتی و همکاری آمریکا و روسیه، سپس، این را در ستر کلیت اروپای آزاد قرار دهد که در آن، روسیه از جایگاه شایسته خود برخوردار است.

**منبع: خبر گزاری جمهوری اسلامی**